

ندای حق

این روزنامه دارای آثار آریستو
آریستو معانی کتب

سال ۱۶ - شماره ۳۴ - ۶ شنبه ۱۳۴۴ - ۴ شوال ۸۵ شماره مسلسل ۸۱۳

با وجود رواج فسق و فجور، هوسیان و گناه توجه بسوی حق و فیاض مطلق نیز بسیار است

خواننده گرامی: تقبل الله اعمالکم و استعاده ایامکم - اعمال و افعال شما در ماه مبارک رمضان قبول و انشاءاله مورد رضای پروردگار عالمیان و رسول او حضرت خاتم الانبیاء بوده باشد. عید سعید فطر نیز که از اعیاد مهم اسلام است بر شما مبارک و میمون باد.

ماه مبارک رمضان و شهر الله اعظم گذشت و یکماه دیگر بر اوراق عمر ما ورق خورد، خدا کند در این ماه آمرزیده و مورد مغف و بخشایش خدای رحیم و کریم قرار گرفته باشیم و وی بر ما، اگر در این ماه موجبات بخشش و مغفرت برای ما بقیه در صفحه ۴

ندای آسمان یا اذان بلال

و حکمایت، ز صیاد پوی سخنان هوسلمان و غیر هوسلمان استفاده از اذان بلال مؤذن رسول خدا ص پیام برهبران سیاهان ندای امروزه قاره افریقا و آمریکا

اذان مسلمانان در ایران و غیر ایران از تیشیان و غیر تیشیان در حمایت از شما سیاهان است - شما سیاهان چه مسلمان و چه غیر مسلمان بصدای اذان مسلمانان تقویت میشود - صدای اذان مسلمانان در کلدسته های بلند نماینده تحولات نیک سیاهان است و بلال سیاه قام با اذان خود پیام فرستاده و نوری روشن بقیه در صفحه ۳

از آنچه آموزش خدا را واجب کند ایست که برادر مسلمان خود را شادمان گرداند - محمد رسول الله

شعبه کتب و نشر که عملاً پیرو و مکتب علی (ع) باشد (قال امیر المؤمنین ع): من عرف بالکذب قلت الاقبا (هر که بدو شناخته شد مردم کمتر بر گفتار او تکیه کنند)

امیر المؤمنین ابی قاسم عبدالعزیز رحمة الله بدارگری در میان تمام رعیت پرداخته و سیاست خود را بر مبنای کتاب خدا و سنت پیامبر قرار داده بود، دیگر از بزرگان و اعیان وی اینکه علماء را گرامی میداشت و مقدم مردمان صالح را بزرگ می شمرد و خاندان پیغمبر را اکرام و بخشش زیاد می نمود تا آنجا که از شرق و غرب بسوی می شناختند، و هر کس در کشورش سکونت اختیار میکرد برایش عواد حقوق و لباس مقرر می - داشت و هر کس بکشور او میرفت بوی بخشش زیاد میکرد و در هر سال ۶۰ دینار برایش معین نموده و در شب میلاد شریف به مهماندارش امر می نمود که پذیرایی

روز عید فطر پس از خواندن نماز عید مردم ملائمت و عاشقان حق دسته دسته و گروه گروه با عشق و علاقه زاید الوصفی بطرف قلعه اسفندی شیرانات در حرکت بودند و در استگاه چهارچهر پیاده میشدند

بهرام شاه رخ مسلمان شد

مقارن عید سعید فطر محضر ۲۷ تهران خبری در روزنامه های عصر منتشر کرددای بر اینکه آقای بهرام شاه رخ در ۱۹ آذر ۱۳۴۳ بدین مین اسلام تشریف حاصل نموده است. البته انتشار این خبر موجب مسرت جامعه مسلمانان گشته و در همه جا با حسن استقبال فراوان مواجه شده است. ولی برای دوستان و آشنا با ایشان تا زکی نداشت چه از روزگاران دیرین علاقه و اعتقاد آقای شاه رخ بتعلیمات اسلام کاملاً برین بود اذ انظهم در ادب و ایران از یاد کارهای دوره مدیریت کل تعلیمات آقای شاه رخ است بهر حال تصریح و تثبیت این موضوع در ایستادن و قاطبه مسلمانان تبریک می گویند و در اینجا عین اقرار نامه آقای شاه رخ را بصورت یک سند تاریخی منتشر می سازیم، بصفحه ۴ رجوع فرمائید.

ایفروزند آدم - خوابگاه و آرامگاه خویش را در «گور» بیاد آر و همی بیاد آر که بر برابر پروردگار خود می ایستی و اعضایت بر زبانت گواهی دهند، آنروز که گمراه ها می لرزد و جانها بلب لب میرسد، رخسارهایی سیاه و چهره هائی سمیبد، رازهای پنهان آشکار میگردند، آنروز که (میزان) سنجش کردارهای نیک و نکوهیده را بگذاردند - گویا بهمین زودی بدیشان خواهی پیوست. حسن بن علی الشهد

آهن تقطیده در دشت قحلی

چنان فریادی زد که بنداشتم بدرود زندگی گفته

بر آدم و قیل که بر مردمی نانوان و بیبنا است وقتی سراق آمد و کودکان معصوم خود را که از فرط گرسنگی و بیبنائی چهره گانی نیکون داشتند با همان وضع قتل آور در بیگانه من بشفات حاضر کرده بود تا بلکه بتواند یک کاع کدم بیش از حق مقرر خود از بیت المال استفاده کند. نمی توانیم بگویم که با چه زبان، شرح فقر و تهیدستی خود امیداد و چگونه قبی در صفحه ۴

تکارتش آقای محمد جناب زاده

چونکه صد آمد نمود هم پیش ما صحت

استعداد انقباض و تجزیه در آنها وجود دارد. بقیه در صفحه ۴

خدا را واجب کند سلامش و بلند نفوذ است بر مسلمانان و سخن نیکو گفتن محمد رسول الله

از آنکون روح بر حرارت محمدص رانظر می آورم که در ظلمت شب چگونه بیبنا میگرد، گاه شوق بر آن غالب و گاه آرام میشد و چرخ افکار او را بهر طرف می برد تا چون فروزی بر آن تجلی مینمود گمان میکرد نوری است که از آسمان فرود آمده و هرگز مقدس برایش میماند تصور مینمود جبرائیل است که با وحی بر او نازل شده است یا وجود این آیین با و همسرایان نادان او را غمیده بازو حمله کر میخوانند: نه بندها هیچگاه آن دل پاک و بی آرایش که مملو از یقین و راستی بود مانند تندور بر آفرینده ای بود ممکن نیست دل مرده شده باز و محتالی باشد زندگی او در نظرش حقیقی بود و این جهان را حقیقی شکست آور و بی مانند میدید. وقتی از محمدص معجز میخواستند میگفت بهترین معجزه برای شما همین

من اکنون روح بر حرارت محمدص رانظر می آورم که در ظلمت شب چگونه بیبنا میگرد، گاه شوق بر آن غالب و گاه آرام میشد و چرخ افکار او را بهر طرف می برد تا چون فروزی بر آن تجلی مینمود گمان میکرد نوری است که از آسمان فرود آمده و هرگز مقدس برایش میماند تصور مینمود جبرائیل است که با وحی بر او نازل شده است یا وجود این آیین با و همسرایان نادان او را غمیده بازو حمله کر میخوانند: نه بندها هیچگاه آن دل پاک و بی آرایش که مملو از یقین و راستی بود مانند تندور بر آفرینده ای بود ممکن نیست دل مرده شده باز و محتالی باشد زندگی او در نظرش حقیقی بود و این جهان را حقیقی شکست آور و بی مانند میدید. وقتی از محمدص معجز میخواستند میگفت بهترین معجزه برای شما همین

تکارتش آقای سید اسدالله روحانی زاده

شعبه کتب و نشر که عملاً پیرو و مکتب علی (ع) باشد (قال امیر المؤمنین ع): من عرف بالکذب قلت الاقبا (هر که بدو شناخته شد مردم کمتر بر گفتار او تکیه کنند)

روز عید فطر پس از خواندن نماز عید مردم ملائمت و عاشقان حق دسته دسته و گروه گروه با عشق و علاقه زاید الوصفی بطرف قلعه اسفندی شیرانات در حرکت بودند و در استگاه چهارچهر پیاده میشدند

روز عید فطر پس از خواندن نماز عید مردم ملائمت و عاشقان حق دسته دسته و گروه گروه با عشق و علاقه زاید الوصفی بطرف قلعه اسفندی شیرانات در حرکت بودند و در استگاه چهارچهر پیاده میشدند

روز عید فطر پس از خواندن نماز عید مردم ملائمت و عاشقان حق دسته دسته و گروه گروه با عشق و علاقه زاید الوصفی بطرف قلعه اسفندی شیرانات در حرکت بودند و در استگاه چهارچهر پیاده میشدند

روز عید فطر پس از خواندن نماز عید مردم ملائمت و عاشقان حق دسته دسته و گروه گروه با عشق و علاقه زاید الوصفی بطرف قلعه اسفندی شیرانات در حرکت بودند و در استگاه چهارچهر پیاده میشدند

روز عید فطر پس از خواندن نماز عید مردم ملائمت و عاشقان حق دسته دسته و گروه گروه با عشق و علاقه زاید الوصفی بطرف قلعه اسفندی شیرانات در حرکت بودند و در استگاه چهارچهر پیاده میشدند

باز (ای مردم دنیا طلب) چیزی که از نعمت های دنیا نصیب شما گردیده متاع (فانی) زندگی دنیا است و آنچه در نزد خدا است بسیار بهتر و باقی تر است اما آن مخصوص ص است با آنکه ایمان بخدا آورده اند و در امورشان بر لطف پروردگار توکل میکنند و آنانکه از زشت کاری و گناهان بزرگ هی پر هیزند و چون بر گشتی خشم و غضب کنند بر او می بخشند آیات ۳۷ و ۳۸ سوره شوری

بقلم آقای مازاد

چگونگی نزول و تنظیم قرآن مجید

در سلسله مقالات گذشته، شمه ای از نزول قرآن و جمع آوردی آن از احاط بر ابدان مسلمانان ما گذشت بوسیله تلفن ها و نامه ها بنده ما مورد تقدیر و الطاف خود قرار دادند، روز چهارشنبه گذشته سه نفر با این جانب با تلفن و نامه تذکر دادند و در محفل دبیران مدرسه ای هم بر شد که از اردو به تهران گفته شد که قرآن از حفظه قراء جمع آوری شده مانند تورات و این بیان چون غیر واقع و خلافی احادیث و اخبار معتبر و سنن اسلامی است از این بنده خواستند که با موضوع قرآن چنان که فی الحقیقه بوده بنکاریم و انظر خوانندمان بگذاریم - لذا تجدید مطلع نموده و مذاکره در اطراف قرآن لازم و موجب اجرو نواب و استفاده میباشد. بدلالی که از خود قرآن و تفسیر معسرین اولیه قرآن بدست آمده بود در قرآن یکجا در ماه رمضان بر قرب پیغمبر تأیید و باقتضاء زمان ممکن بر روزمان بقیه در صفحه ۳

تکارتش آقای سید مرتضی هاشمی حائری

اوضاع عصر ما از نظر رسول خدا ص

بخوانید و مقایسه کنید آیا همان عصر است

مطالعه کتب دینی میشود در روز گذشته در ختکام مطالعه رسیدم بقسمی از حدیث نبوی اکرم ص که با زبان معجز بیانش اوضاع و احوال و چگونگی کیفیات عصر حاضر و زمان کنونی را بیان میفرماید، مانند کسیکه شاهدی ناظر بر اعمال و افعال مردوزن مسلمانان است.

فرمایشات پیغمبر اکرم ص شدیداً مرا متاثر و متامل نمود که بی اختیار قلم برداشته گفتار رسول اکرم ص را بدون کم و زیاد ترجمه نمودم و برای دوح در جریده نشری (ندای حق) بفرستم، اکنون ذیلاً حدیثی بفرما میگذارم که بر یقین دارم خواننده گان محترم از این حدیث شریف سخت متاثر و مومول میشوند و حتی الامکان به وظیفه و تکلیف شرعی خود عمل می کنند. بقیه در صفحه ۳

خداوند دوست دارد مؤمن را که صنعتی داند و کسب حلال کند و بخورد محمد رسول الله

و هدیه خداوند محققاً عملی میشود

آوردند که متوکل را بنده ای بود بنام (فتح) بی اندازه خوب و نهایت مودب و مرتب که توسط معلمین و مربیان که خلیفه تعیین نموده بودند بقانون متعدد

آوردند که متوکل را بنده ای بود بنام (فتح) بی اندازه خوب و نهایت مودب و مرتب که توسط معلمین و مربیان که خلیفه تعیین نموده بودند بقانون متعدد

آوردند که متوکل را بنده ای بود بنام (فتح) بی اندازه خوب و نهایت مودب و مرتب که توسط معلمین و مربیان که خلیفه تعیین نموده بودند بقانون متعدد

آوردند که متوکل را بنده ای بود بنام (فتح) بی اندازه خوب و نهایت مودب و مرتب که توسط معلمین و مربیان که خلیفه تعیین نموده بودند بقانون متعدد

آوردند که متوکل را بنده ای بود بنام (فتح) بی اندازه خوب و نهایت مودب و مرتب که توسط معلمین و مربیان که خلیفه تعیین نموده بودند بقانون متعدد

آوردند که متوکل را بنده ای بود بنام (فتح) بی اندازه خوب و نهایت مودب و مرتب که توسط معلمین و مربیان که خلیفه تعیین نموده بودند بقانون متعدد

آوردند که متوکل را بنده ای بود بنام (فتح) بی اندازه خوب و نهایت مودب و مرتب که توسط معلمین و مربیان که خلیفه تعیین نموده بودند بقانون متعدد

کلیسا و کلیسائیان بخوانند

بقیه از صفحه ۱

بسیار خوبی که در باره اش میگویند این است که بدست خود بیرونتر را میبندند و وصله میزنند این بود در ترتیب عادت محسوس پس آیا بهتر بوالان از این اخلاقی یافت میشود؟

راستی خوشا بحال محسوس که مروی بود در خوراک و پوشاک خشن ولی در راه خدمت میکشید روزها روزگار بود و پوشید زنده دار برای نثر دین خداوند گشتید بدون آنکه مانند مردان پست همگام گشتید و طمع در رتبه و مقام و حکومت داشته باشد و بهر چه در بند شهرت و نام نبود آری بخدا بنام معنی مری بزرگ و بی مانند بود و اگر چنین نبود نمیتوانست از آن غریبهای حصارا گردد متکیین دل آهیمه توفیر و احترام و اجلال و تمکین دل به پند نمی توانست آنها را با طاعت خود در آورده با آنها معاشرت نماید و مدت ۲۳ سال آنها بسر برد در تمام این معنی آنها در او آمده آمد در کاش چنگ و جهاد کنند.

این اعراب مردمانی سخت و متکبر و خود پسند بودند و او جو داین آنها را مطیع کرد و بسوی خود آورد و متذکر او امر اسلام نمود و برای این است که باید محسوس را بزیرترین مراد و دلیران دانست و اگر اعراب این فضائل و صفات عالی را در او ندیده بودند ممکن نبود تسلیم او شوند و در برابرش سر فرود آورد ولی چنانکه محسوس با این اعراب به یگانگی باقی میماند و در این امر بطور های روم با بنای پوخت خود میخواست بر آنها حکومت کند آنقدر بیروی و اطاعت نمیدید که محسوس با آن بیرون وصله دار دید.

این است معنی عظمت حقیقی و مفهوم جعادت و مردانگی با وجود این آخرین کلماتش تسبیح خداوند و نماز میبود که آزدلی سر گردن هان بیرو امید هنگام بالارفتن بسوی خدای خود خارج میشد ولی نباید تصور کرد که شدت تدبیر ترس از خداوند از تمام و خوراک و خوراک و احوال او بهر دو بود خوراک و اعدا ذاتی و آب و روایند مشاهیر در خانه اش آتش روشن نبود و بنشیند از جزئی های

و برایشما را دعا بود آورده که در آنها رقت و آید از زرق و روزی او بخورید و همین ایراد که در هوا میروید و در میان زمین آسمان ملق است و بارنگ میزنند خود باران خود را فرو میریزد و زمین را شاداب میکند و از خاک تیره گیاه و درخت و میوه میروید بنام مکی همه از معجزات خداوندی نیست؟ تا آنجا که میفرماند باندین یکی از معجزات است آری بخدا همه این همه معجزات بنا بر این است که معجزه بهتر از آنها طلبند آیا خود شما معجزه خداوندی نمیباشد شما عاجز و ناتوان بودید و قبل از آن اصلا وجود نداشتید ولی خداوند شمارا دارای جمال و قوه نمود و بهترین صفات را که رحمت و مهربانی باشد بشما بخشید پس از این بین میشوید و ناتوانی بر شما غالب میشود و قوای شما از بین میرود سپس خواهید مرد و ازین خواهید دیدت.

و افعالی بیان مرا مدعوتی کرد زیرا ممکن بود که خداوند مردم را بی رحمت و نامهربان میآفریند در این صورت چه حالی داشتند؟

بسیار بیاد گفت محسوس در این گفتار بکنه حقیقت نگریسته است و به همین جهت است که نزد محمد بک آثار شعور بسیار قوی و علائم شریفترین صفات و عالیترین صفات را مشاهده میکند و در او یک عقل کامل عظیم و دیدی به دلی راستگویی و بیستی و مروتی بسیار قوی بی مانند مجسم میکند.

محمد سوار طور که بعضی مدعی شده اند شهورت ان نبود و اکثر چنین گمانی در باره اش بریدیم و بگوئیم اول جزالت برود از جهات و سرگردن قوه شوخی و خردی نشانه خیلی بی انصافی کرده و از حقیقت دور افتاده اند و این چنین نبود و میماند و لاندین فاصله زیادی بود بین کسی که در نظرش ارزش ندانند و بآن توجه نمی نمودند تا شعوت بود او مروی با سو قانع بود و این صفات در خانه و خوراک و پوشاک و تمام اوضاع و احوال او هویدا بود خوراک او عادتاً با آب و روایند مشاهیر در خانه اش آتش روشن نبود و بنشیند از جزئی های

بسیار بیاد گفت محسوس در این گفتار بکنه حقیقت نگریسته است و به همین جهت است که نزد محمد بک آثار شعور بسیار قوی و علائم شریفترین صفات و عالیترین صفات را مشاهده میکند و در او یک عقل کامل عظیم و دیدی به دلی راستگویی و بیستی و مروتی بسیار قوی بی مانند مجسم میکند.

محمد سوار طور که بعضی مدعی شده اند شهورت ان نبود و اکثر چنین گمانی در باره اش بریدیم و بگوئیم اول جزالت برود از جهات و سرگردن قوه شوخی و خردی نشانه خیلی بی انصافی کرده و از حقیقت دور افتاده اند و این چنین نبود و میماند و لاندین فاصله زیادی بود بین کسی که در نظرش ارزش ندانند و بآن توجه نمی نمودند تا شعوت بود او مروی با سو قانع بود و این صفات در خانه و خوراک و پوشاک و تمام اوضاع و احوال او هویدا بود خوراک او عادتاً با آب و روایند مشاهیر در خانه اش آتش روشن نبود و بنشیند از جزئی های

حسینیه ارشاد

بقیه از صفحه ۱

سید علی شاه چراغی زمین زده شد و امید است هر چه زودتر بنای این مسجد که عبارت از ساختمانی یکپوش و یکساں ساخته اند و سایر اجتیا و جایداد میباید ساخته شود و بهر برداری از این مسجد شروع گردد.

در این مجلس خطیب دانشمند آقای فلسفی نیز شرکت و یک ساعت در باره اهمیت و لزوم ساختن چنین مرکزی مطالب جالب ایراد کردند پس از این با نفاذ ایشان مرد با وجود و تفریغ مجلس نامبرده را سر از گفتم تبریک عبدالعظیم و تقدیر و ست تسبیح کرد تبریک کردند امید است در آتیه نزدیک شاهد پیرو برداری از این مسجد و پایگاه اسلامی شروع شود تا جوانان عاشق حقایق دینی بتوانند با شکر در کنار این مجالس که گشته خورده پیدا و براه راست و صراط مستقیم هدایت و رهبری شوند (انشاء الله).

محمد حسن توسلی

چاپ اتحاد

تلفن ۷۳۲۴۳۰

شیعه کسبست که

بقیه از صفحه ۱

اگر شمس و سه بهاریات و زندگانی بر ارج و هندسل خلقت عدل بودی رحلت آن مراد و سعید و چهل و پند سال است فلاسه و بیرو فورا و دانشندان و هوشمندان و آزاد مردان جهان راهبوت و متحرک و صاحب ذهنه و ازان جلد کتاب درباره فضایل و سعایب حضرتش طبع و نثر و هنوز بیرون از کمان او مورد مصلحت دانستن نامی صغر ائترو موشکهای کراهت فمر و ستارگان قرار گرفته از این جهت است آنچه میگفت خود هم عمل میفرمود ولذا میبیشینه که همه اعمال و کردار حضرترا ستوده و مراحیا گفته اند.

صاحبان عقول و کمال و علاقمندان برفاه و آسایش خلق در هر شغل و مقامی هستند باید بطور کلی از نظرات عوام فربانه و خلاق و گویا که موشک جلیه کران و مکاران می باشد بیهیزند و بنایه عهد و قول و وعده ای که عرض بدین و ندانی مردم در تجدید و دست کشیده نباشند در این تعالی فرود که شفاعت من ثابت است برای کسیکه امانت کند ذریه مراد است و مال و زبان) .

علی (ع) فرمود ، (ویل هندالاله من رجاهکم بالشره العلمونه الی ذکرها تعالی و اوابه خضره اخر صفره) .

شاهریگوید :

چنان ذریه که ذکر است به تسخیر کنند چه مردانه بی برکوت نفرین کنند! نایسد بصرم بد آملین نهاد که گویند غفلت بر او کین نهاد خداوند متعال برای تسلی خاطر مؤمنین فرموده ، (گمان نکن که بروردگار عالم غافل از کرده ظالمان و مستکران است نه چنین است و این همین است که ایشان داده و برای ایستند که نصاب از نمای اعمال ایشان را بزودی خواهد داد .

آری بصدقه های الهی عبت نیست خدا همه ما را از خواب غفلت بیدار فرماید تا راه حق را از باطل و درستی براهناورستی تمیز دهیم و علانی پیروی از مکتب علی (ع) نموده و از این آیه شریفه غفلت نکنیم که تا مردم نفاذات خود را تغییر ندهند خدا وضع آنها را عوض نخواهد فرمود (فاعتبروا و اولوا الی اصحاب) فریاد و فغان زد در دهرهای ما در دست کسانیت که بنده اند آنکس که در پیش خوبی در پیشانی ما (بامرد و روی که از خواب غفلت بیدار شویم).

زندگانی مولای مطلق

بقیه از صفحه اول

جواب میدادم و در سال ۷۲۶ هجری در سن هشتاد سالگی در حله وفات کرد و در جلد ششم اسان المیزان بازمطالعه درباره علامه ذکر کرده که مقدماً با آنچه ذکر شد تفاوت زیادی ندارد.

در اینجا حضرت آله العظمی آقای نجف مرعشی مظنه العالی از طرف خودش اضافه نموده که این چند نام مترجم دچار اشتباه شده و اورا حسین دانسته و در جای دیگر او را در ضمن انخاصی که بیوسف نامیده شده اند بشمار آورده حال آنکه بوسواس پندارواست کسی که اندازه تحقیقات او با این پایه است چگونگی میتواند در تالیقات و مصنفات کسی وارد شد و اظهار نظر نماید و چگونه میشود بر مبنای اوقات او اعتبار کرد. اما مترجم حسن است و خود در خلاصه تصریح کرده و قابل تردید نیست.

رویه امثال ابن حجر و ابن تیمیه در عصر حاضر بطور اشد جریان دارد. همین ایام اخیر بود که شخص کویتی در یکی از مجلات عربی بصدقات شیعه ناسزا گفت و کسی متعرض او نشد ولی شخص شهبی که را چه با ایمان ابوطالب (مؤمن قریش) کتاب نامبرده را مستخلص کرد در حال آنکه نویسنده شیعی یکسبجی حصارت نگردد و از روی اعمال و اقوال و اشعار ابوطالب که محل تصدیق عام میباشد اذین کرده بود که ابوطالب ایمان آورده و مسلمان بود و است و مخالفت با اسلام ابوطالب برای عناد با حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام است و لا چه ابوطالب مسلمان باشد چنانکه شیعه عقیده دارد و با ایمان نبوده و با بدین عبدالمطلب از نذر یافته باشد (که عقبیده شیعه عبدالمطلب موحده بوده) بجای ضرری نمیرساند

کشمیش جدید اسلام

بقیه از صفحه ۱

توصیف است چنانکه فرماندهانش نیز بروش او میرفتند و کسی را آزار نمی رسانیدند و ظلم و اذیت نمیکردند و به دادخواهان کمال رسیدگی مینمودند . هر بنو لیبی و سایر اولاد زندگی خود و خانواده اش را از ترس خداوند والا از راه عنف تاریخی و جزیه به خود فرار داده بود تا راه جلالی باشد .

و همواره از حال زندان بداندن جو یا میشد تا هر کسی را که سزاوار آزادی باشد آزار نماید و هر کسی بقتل مبادرت ورزیده و کیشش قبل است تقصص نماید و چنانکاران را کبیر بیخاند .

در مردود صدقات و نیکوکاری های کار است هویدا که بر همه کسی واضح و روشن است برای توزیع صدقات و نیکو کارهایش . کار سدا را ببقیه دانستند ابن عبدالله محمدر بن سلام طبری واگذار نموده بود که کسی آنچه همش بود انزوی دریافت میداشت .

از کارهای ارزنده اش این بود که هر ساله موسم جعدانه ای را بطرف خانه خدا و زیارت قبر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم میفرستاد و بوسیله آنها اموال زیادی بکمک و مدینه میفرستاد که در میان نیازمندان تقسیم می نمود و مقدار زیادی هم مسال و لباس برای سران قباایل عرب برده میفرستاد که وسایل تسهیل رفقت آمد حاجبان را فراهم سازند و نگذارند کسی در دین ران مزاحم آنان شود .

و برای آزادی اسیران مسلمان از دست نصرانیان بخصوس اسیران جزیره اندلسی مبلغی فرستاد و بهر دو بود اینها کویبست از بزرگترین بود و بهر دو بود اینها بنگار موقوفات زیادی وقف نموده و امین الاله با عبدالله محمدر بن عزوز را ناظر بر آن قرار داده بود و کلیه درآمد آن را بشخصه اسیران مسلمان آزادی آنان اختصاص داده بود تا آنها که با بی اعمال بندر تونس وارد میشد از بیت المال قضایه اش نافرادی میشد و آزاد میگفت و به بازرگانان فارسی میفرستاد و بهر دو بود که تا متبوانند بجای کالاهای با ساز گاری از اسیران مسلمان برایش بیاورند و با اسیران قرار گذاشته بود که برای هر جوان ۶۰ دینار و افرام سنه ۴۰ تا ۶۰ دینار با آنها ببرد ، از من واسطه ای نگذرد و بهر دو بود معنی کوهانی عده زیادی اسیر آورده اند و تا کنون که تاریخ تالیف این کتاب است همینگونه ادامه دارد خداوند بیادش را متذکر گرداند .

ولهه خداوند

پنجاه اردیبهشت ۱۳۴۰ ز قدری وقت برود را بصدقه متوکل آورد . متوکل بسیار خوشحال گویس از هفت روز فتح واریده است .

جانب مشنار گرا ه ه از اینوار داده و سپس امر نمود طام بیاورند تا فتح کرسنگی هفت روزه را جبران کند . فتح کت من گشته نمائند نام زهر را روز بلک قمر نماز از خارج در جلوی من باب انداخته میشد و روی من نانی نسوخته شده بسود . (محمد بن حسین الاسکانی و من از آن ناز ارتقا میبشود و متوکل را عجب آمد و گفت در شهر اعلان کند که این شخص بیاید تا جایزه و عطایا بگیرد روز دیگری شخصی بدار متوکل آمد و خود امر فری کرد من حسین حسین الاسکانی . متوکل گفت چه دلیل تو آنس؟ گفت بدلیل اینکه هر روز قرص نانی باب چله می افکنم که نام من روی آن نقش بود . متوکل گفت اینکار برای چه میگردی؟ گفت شنیده بودم که گفته اند (تو نیکی میکنی و در جلد انداز که از این در بیابانت هدهداز) متوکل گفت چند وقت است چنین میکنی؟ گفت یکسال است . پس دستور داد بنجدهای عطا کرد و تنوکل باو گشت ، آنچه را کردی موضوع گرفتی

